

## بررسی کیفی مجازات های جایگزین حبس

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

مریم اجتنابی

### چکیده

هدف از محکوم کردن متهم به مجازات زندان، نه اعمال رنج و عذاب بروی، بلکه تضمین آرامش و امنیت جامعه است. ولی در عمل ما شاهد گرفتاریهای زندانی هستیم. در حالی که زندان باید فقط در سلب آزادی از محکوم خلاصه شود. زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و دوستانش می شود. این مجازات علاوه بر محکوم، بر خویشان و نزدیکان و بویژه همسر و فرزندان او نیز تحمیل می شود. و صد البته سرانجام منجر به فروپاشی کانون خانواده خواهد شد. نقض حقوق بشر در زندان بسیار مشاهده می شود. تورم در جمعیت زندانیان یا اشباع زندانها، سوء تغذیه، نبود مراقبتهای پزشکی، شیوع بیماریهای واگیر و عفونی، تجاوزهای جنسی، فساد رفتاری، شیوع بیماریهای ویروسی و مرگبار همچون ایدز، از جمله آثار این نقض حقوق انسانی است. فقدان پرسنل آموزش دیده، مجرب و متخصص و نبود منابع مالی کافی در زندانها و نیز عدم هماهنگی در دستگاه عدالت جزائی، منجر به اطاله دادرسی و تاخیر در رسیدگی های کیفی و اجرای عدالت می شود.

۴۴۳



**واژگان کلیدی:** جایگزین های حبس، آزادی مشروط، تعلیق مجازات، نظارت

الکترونیکی، کارهای عام المنفعه، جریمه نقدی

## بخش اول: کلیات

حبس به عنوان کیفر در تاریخ تحولات حقوق کیفری یعنی نیمه دوم قرن هیجدهم همواره به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر وجود داشته است. هر چند در طی ادوار مختلف تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس پدیده آمده است. حق آزادی که پس از حق حیات اساسی ترین حق بشر محسوب می شود جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چهارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان بارها تعریف شد و حقوق شهروندی افزایش یافت و این مساله موجب قرونی تکالیف حکمرانان شد. مردم به دنبال دولتهای پاسخگو بودند و انتظار داشتند حاکمان حقوق اولیه شهروندان را به صورت تمام و کمال حفظ و حراست کنند. محور قرار گرفتن حقوق اساسی شهروندان بویژه آزادی، سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثناء کاملاً محدود مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سوال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شده و از این حیث به لحاظ نظری مشروعیت کاربرد حبس در شکل جاری آن دچار تردید شد و کمتر کسی می پذیرفت که از تمام مجرمان باید سلب آزادی شود. آمارها نشان داد که حبس کیفری چه با فلسفه اربعاب بازدارندگی چه با فلسفه اصلاح و درمان با شکست عملی مواجه شده است. در کشورهای با نظام کیفری حبس محور، نه تنها ارتکاب جرم کاهش نیافت، بلکه آمار تکرار جرم توسط محکومین سابقه دار رقم بالایی است. ضمن این شکست عملی انتقادهای گسترده ای به آثار منفی زندان هم از لحاظ اقتصادی هم از لحاظ اجتماعی صورت گرفت. هزینه های اقتصادی بالای زندان، حرفه ای تر شدن مجرمان زندانی شده، از هم پاشیدن خانواده های زندانیان و... تنها بخشی از اشکالات زندان بشمار می رفت. همه این اشکالات باعث شد حقوقدانان و متفکران علوم کیفری به دنبال یافتن جایگزین هایی برای مجازات حبس باشند در جهت تعدیل این کیفر. منظور همان اشکالات نامبرده شده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری مجازات زندان پدید آمده بود می باشد. موج این تحولات به کشور ما هم رسیده است - تدوین لایحه مجازات های اجتماعی نشان می دهد که دستگاه قضایی درصدد بر طرف کردن مشکل حبس محوری نظام کیفری می باشد نتایج یک تحقیق



صورت گرفته شده نشان می دهد اکنون در قوانین کیفری ما بالغ بر هفتصد عنوان مجرمانه با مجازات حبس وجود دارد که ۱۵/۶ درصد این حبس ها شش تا نه ماه و ۳۰ درصد آنها بیش از شش ماه تا ۲ سال و بقیه بیش از ۲ سال است.

### بخش دوم: ویژگی های جایگزین های حبس

بالطبع برای جایگزین های کیفر حبس، می توان ویژگی های زیر را مورد تحلیل قرار داد:

۱- جامعه‌ی و مشارکتی بودن: مجازات‌های اجتماعی کیفرهایی هستند که محدودکننده حقوق و آزادی‌های فردی بوده و دارای خصایص اصلاحی هستند که در درون اجتماع برای گروهی از مجرمین با نظارت و مراقبت اجتماع و نهادهای مدنی اعمال و اجرا می گردند<sup>۱</sup> در مفهوم موسع سیاست جنایی، تنها دولت به معنی نهادهای رسمی مختلف همانند دادگستری، وزارت‌خانه‌ها و... عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه نیستند، بلکه پاسخ‌های ارائه شده از سوی جامعه مدنی و نهادهای مختلف مردمی نیز به پاسخ‌های دولتی افزوده می شوند. به دیگر سخن دولت و جامعه مدنی در قالب هیأت اجتماع عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه می شوند<sup>۲</sup> زیرا مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی به کارایی آن می افزاید. شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی، افزون بر رفع دل‌نگرانی مشروع در جهت بالا بردن کارایی آن، به معنای این است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد مربوط می شوند.<sup>۳</sup> بنابراین امروزه به نقش مردم در فرایند عدالت کیفری بیش از پیش توجه می شود و در کنار سازمان‌ها و نهادهای رسمی، مردم نیز در تأمین منافع جامعه نقش به سزایی دارند. یکی از خصوصیات مجازات‌های جایگزین حبس جامعه‌ی بودن آن است و محکوم مجازاتش را در اجتماع تحمل می کند. در لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان در ماده یک به صراحت به مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجرای مجازات‌های اجتماعی اشاره شده بود، ولی در قانون مجازات اسلامی جدید این عبارت حذف شده است. اما با توجه به ذاتی بودن



<sup>۱</sup> - میرزایی، احمد، محکومیت های کیفری مؤثر در حقوق ایران، ص ۲۰۲.

<sup>۲</sup> - صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، جلد نخست، ۱۳۷۱، ص ۳۶.

<sup>۳</sup> - میرزایی، احمد، محکومیت های کیفری مؤثر در حقوق ایران، ص ۱۵.



مشارکت مردم در این نوع مجازات‌ها این حذف، تأثیری در کاهش نقش مردم در اجرای این مجازات‌ها نمی‌تواند داشته باشد.<sup>۱</sup>

۲- دو سویه و توافقی بودن: از مهم‌ترین خصیصه‌های مجازات‌های جایگزین حبس، دوسویه و توافقی بودن آن است؛ یعنی علاوه بر اراده مقام قضائی، اراده بزهکار نیز لازم است تا این جایگزین‌ها قابلیت اعمال داشته باشند. این رویکرد، اراده بزهکار را در عرض اراده مقام قضائی قرار می‌دهد و آن را از حالت عمودی و یک‌سویه خارج می‌کند و برای بزهکار در فرایند دادرسی نقشی فعال قائل می‌شود.<sup>۲</sup> بر این اساس بزهکاران یکی از طرفین توافق کیفری به شمار می‌روند و این حق را دارند که به بررسی ابعاد پیشنهاد مقام‌های قضایی مبادرت ورزند. چندان که می‌توانند پس از ارزیابی این پیشنهاد نسبت به قبول یا رد آن اظهار نظر کنند. به این ترتیب، بزهکاران به‌عنوان قبول‌کننده پیشنهاد مقام قضایی مثل دادستان می‌توانند در بستر توافقی شدن مداخله کنند از آن‌جا که حکم به جایگزین‌های حبس محدودیت‌های جسمانی و روانی برای شخص محکوم دارد، مجرم باید نسبت به اجرای آن راضی باشد؛ یعنی، مجرم حق دارند از کاری که از آنان خواسته می‌شود، به‌طور دقیق آگاه شوند.<sup>۳</sup> توافقی و رضایی بودن جایگزین‌های حبس به صراحت در قانون مجازات اسلامی جدید پذیرفته شده است، از جمله در ماده ۸۳ آمده است: «خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم... مورد حکم واقع می‌شود». هم‌چنین در مورد نظارت الکترونیکی نیز در ماده ۶۱، رضایت محکوم، شرط اعمال این مجازات دانسته شده است. در مورد سایر جایگزین‌ها (دوره مراقبت، جزای نقدی روزانه، جزای نقدی) هرچند به صراحت در قانون نیامده است، ولی تا موقعی که بزهکار اراده‌ای بر انجام آن نداشته باشد، مسلماً اجرای آن ممکن نیست و همان حبس اجرا می‌شود. مطابق تبصره ۳ ماده ۸۳ «در صورت عدم رضایت محکوم به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود».<sup>۴</sup>

<sup>۲</sup> - هاشمی شاهرودی، سید محمود، چرا حبس؟، ص ۲۵۱.

<sup>۳</sup> - میرزایی، احمد، محکومیت‌های کیفری مؤثر در حقوق ایران، ص ۱۴۲.

<sup>۴</sup> - همان، ص ۱۴۵.

<sup>۴</sup> - آشوری، محمد، بررسی جایگزین مجازات حبس، ص ۲۵۲.

۳- قابل بازگشت بودن: یکی دیگر از ویژگی‌های جایگزین‌های حبس این است که قابل برگشت می‌باشد و آن نیز در صورتی است که محکوم به تعهدات مقرر عمل نماید که در این صورت، همان مجازات اولیه که حبس می‌باشد، دوباره به اجرا در می‌آید. در واقع ضمانت اجرای عدم اجرای صحیح جایگزین‌های حبس، اعمال همان حبس مقرر در حکم می‌باشد. طبق ماده ۶۹ ق. م. ا. ج.: «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین میکند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورات یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود». هم‌چنین مطابق ماده ۸۰: «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورات دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌شود»<sup>۱</sup>.

۴- قابل تعلیق، تبدیل، تخفیف: از دیگر خصیصه‌های جایگزین‌ها این است که چنانچه به واسطه مانع خارجی خارج از اراده محکوم یا به واسطه معذوریتی مربوط به محکوم، امکان اجرای آن موقتاً ممکن نباشد، قابل تعلیق است. مطابق ماده ۸۱ ق. م. ا. ج.: «چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن، بعد از رفع مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد، مجازت اصلی اجرا می‌شود»<sup>۲</sup>. هم‌چنین طبق تبصره ۴ ماده ۸۳ این قانون: «قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آن‌ها، انجام خدمات عمومی را به‌طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادر کننده حکم، پیشنهاد کند». همان‌طور که معلوم است، این ماده فقط در مورد یکی از جایگزین‌های حبس، یعنی انجام خدمات عمومی موارد تعلیق و تبدیل آن را بیان نموده است و معلوم نیست آیا سایر جایگزین‌های حبس نیز قابل تبدیل یا تعلیق می‌باشند یا

<sup>۱</sup> - صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، ص ۳۴۱.

<sup>۲</sup> - علی‌آبادی عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، چاپ نهم، ۱۳۸۹، ص ۷۳.





خیر؟ ماده ۷۹ ق.م.ا.ج. تخفیف مجازات بعد از اجرایی شدن حکم را بیان نموده است. مطابق این ماده: «چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد، دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، برای یک‌بار بقیه مدت مجازات را تا نصف تقلیل دهد»<sup>۱</sup>.

۵- عدم طرد مجرم از اجتماع: مجازات‌های جایگزین حبس طوری اعمال می‌شوند که مانع زندگی عادی محکوم نشوند و فرد ضمن این که در اجتماع مثل بقیه مردم زندگی می‌کند، مجازات خود را نیز تحمل می‌کند. محکوم احساس نمی‌کند از جامعه طرد شده است و خود را قربانی آن نمی‌داند، بلکه هنوز احساس مسؤولیت نسبت به هم‌نوعانش در وی خاموش نشده و با گذشت مدت زمانی به اجتماع برمی‌گردد. مطابق ماده ۸۳ ق.م.ا.ج: «ساعات ارائه خدمات عمومی برای افراد شاغل از چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم گردد». همان‌طور که این ماده صراحت دارد، مجازات‌های جایگزین حبس نباید طوری اعمال شوند که مانع زندگی عادی محکوم شود و وی را به سختی اندازد و باعث فشار روانی یا اقتصادی بر وی و خانواده و اطرافیانش شود.<sup>۲</sup>

### بخش سوم: کاستی‌های و پیامدهای نامطلوب مجازات حبس

در قرن هجدهم میلادی، اهمیت یافتن حق آزادی فرد در اجتماع از یک سو و خشن و غیرانسانی جلوه‌گر شدن کیفرهای بدنی از سوی دیگر سبب شد تا عدالت کیفری، زندان (سلب آزادی) را به عنوان ابزار نوین تحکیم نظم در جامعه برگزیند. از آن پس، صحنه نمایش قدرت عدالت کیفری از حیثیت جسمانی مجرمان به حیثیت اجتماعی آنان انتقال یافت؛ آسیب کیفر به بدن مجرم وارد نمی‌آمد بلکه بر جایگاه اجتماعی وی بعنوان شهروندی آزاد وارد می‌شد و وی را از اجتماعی که در آن مرتکب جرم شده بود جدا می‌ساخت. در این دوره

<sup>۱</sup> - همان، ص ۷۵.

<sup>۲</sup> - میرزایی، احمد، محکومیت‌های کیفری مؤثر در حقوق ایران، ص ۲۱۱.

مانند دوره پیش هدف عدالت کیفری از مجازات مجرم، ارباب و بازدارندگی وی و مجرمان بالقوه‌ای بود که هنوز مرتکب جرم نشده بودند. تنها تفاوت در سبک و ابزار بازدارندگی بود.<sup>۱</sup> ( زندان جایگزین مجازاتهای بدنی شد). در قرن نوزدهم، با رواج اندیشه‌های جرم شناختی و توجه به علل جرم و سلطه یافتن شعار مبارزه با علل جرم نه معلول، عدالت کیفری هدف خود از مجازات مجرمان را تغییر داد. در این دوره اصلاح و درمان مجرمان و مبارزه با علل جرم بعنوان هدف کیفر قرار گرفت با وجود تغییر هدف کیفر از بازدارندگی به اصلاح و درمان سبک کیفری تغییر نکرد و زندان همچنان ابزار و سبک رایج مجازات مجرمان باقی ماند. با این تفاوت که زندان تبدیل به مکانی اصلاحی- درمانی شد. به همین دلیل در این دوره شاهد هجوم نیروهای اصلاحی (روانپزشکان، جرم شناسان، مددکاران اجتماعی) به سوی زندان هستیم.<sup>۲</sup> اما دیری نپایید که ناکارآمدی زندان در اصلاح و درمان مجرمان آشکار شد. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که زندان با جدا کردن مجرمان از محیط طبیعی و اجتماعی، خود باعث شکل گیری و فرهنگی ضد اجتماعی در میان زندانیان می‌شود، نمی‌توان از فضایی غیراجتماعی انتظار تربیت انسانهای اجتماعی را داشت. زندان باعث تقویت گرایش‌های ضداجتماعی می‌شود. جامعه با جدا کردن مجرم از خود بنام مجازات، باعث ستیز بیشتر مجرم با خود می‌شود. ما با زندانی کردن مجرم او را از اجتماع جدا می‌کنیم تا اجتماعیش کنیم! کاری که اگر غیرمعقول نباشد دست کم بیهوده است. با توج به همین ناکارآمدی زندان در اصلاح و درمان امروزه حبس‌های کوتاه مدت از سیاهه کیفرهای قانونی در اکثر کشورها حذف شده و حبس بلند مدت هم تنها برای مرتکبین جرایم سنگین و تکرار کنندگان جرم پیش‌بینی شده است. کسانی که توسل به اقدامات اصلاحی و درمانی برای آنها بسیار دیر است و تنها راه ممکن برای مصون ساختن جامعه از خطر بزهکاری آنها دور نگه داشتن آنان از جامعه بوسیله زندان است ( طرد مجرم از جامعه و کنار گذاشتن هدف اصلاحی در زندان). با وجود این، نظام‌های کیفری نمی‌توانند از اهداف اصلاحی و درمانی برای مرتکبان جرایم کم اهمیت و

<sup>۱</sup>- همان، ۳۱.

<sup>۲</sup>- بولک، برنارد، منبع پیشین، ص ۲۰.





مجرمانی که قابلیت اصلاح و بازپذیری دارند، دست بردارند. به این ترتیب زندان که خود روزی بنام تلطیف کیفر، جایگزین کیفرهای بدنی شد امروزه به همراهی مجازات‌های اجتماعی نیازمند است.<sup>۱</sup> در حقوق ایران و به تاسی از آیات قرآنی در کتاب مجازات‌هایی با عنوان قصاص، حدود و دیات از واژه «سجن» به مفهوم زندان نیز سخن به بیان آمده است. با این همه زندان به عنوان نهادی ضروری برای برخورد با مجرمان شناخته نشده است. آنچه از آیات قرآنی استنباط می‌شود این است که در این آیات قرآن عمل مستبدان و طاغوت‌های زمان را در استفاده فراوان از زندان تقیح کرده و زندانی کردن مسلمان را مورد سرزنش و نکوهش قرار داده است. از نظر فقهای امامیه نیز زندان به عنوان یک مجازات شرعی جز در موارد استثنایی از جمله برای سارقی که چند بار سرقت کرده و نیز زن مرتد جایگاهی ندارد و از آیات و روایات موجود نیز چنین استنباط می‌شود که حبس به عنوان «بازداشت موقت» مرسوم بوده و تجویز شده است.<sup>۲</sup> ناکامی و شکست زندان در اصلاح و درمان مجرمان، هزینه بالای نگهداری از زندانیان، آثار سوء بر چسب زنی، تراکم جمعیت زندان و ... استفاده کمتر از کیفر زندان را موجه می‌سازد، اما نمی‌تواند توجیه و مبنایی مستقل برای شیوه‌های نوین مجازات فراهم آورد. مجازات‌هایی که جانشین زندان می‌شوند باید مستقل برای شیوه‌های نوین مجازات فراهم آورد.<sup>۳</sup> مجازات‌هایی که جانشین زندان می‌شوند باید مستقل از زندان و صرفنظر از کارآمدی یا ناکارآمدی زندان برای خود دلایل توجیهی داشته باشند. از سوی دیگر با توجه به سیاست حبس زدایی قوه قضائیه تدابیر و اقدامات مذکور در این لایحه، بطور مستقل در قوانین کیفری آینده پیش‌بینی خواهد شد. از همین رو از بکار بردن عنوان مجازات‌های جایگزین زندان که عنوانی وابسته و غیرمستقل است باید خودداری کرد. همانگونه که زندان در سده هجده، با فلسفه خاص حاکم بر آن زمان و مستقل از سبک کیفری پیشین متولد شد، امروزه نیز مجازات‌های اجتماعی با توجه به روح حاکم بر زمان ما و مستقل از زندان

<sup>۱</sup> - همان، ص ۲۵.

<sup>۲</sup> - میرزایی، احمد، محکومیت های کیفری مؤثر در حقوق ایران، ص ۲۶۴.

<sup>۳</sup> - زینلی، محمد رضا، جرم و مجازات و حقوق جزای اسلامی (مطالعه تطبیقی)، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶، ص ۶۹.



بر سپهر قلمرو کیفری آشکار می شود. از ۷۲۸ جرم سرشماری شده که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از سه ماه حبس است مدت حبس ۱۵/۶ درصد از آنها سه ماه تا شش ماه و مدت حبس ۳۰ درصد از آنها تا دو سال می باشد. به این ترتیب این لایحه چیزی حدود ۴۵/۶ درصد از مجازاتهای قانونی حبس را شامل می شود.<sup>۱</sup>

### نتیجه گیری کلی محقق در قالب راهکارهای ده گانه مطروحه

با توجه به بررسی کلی موضوع مربوطه می توان این گونه نتیجه گیری کرد:

۱- امروزه آمارها و مطالعات انجام شده نشان داده اند که مجازات سالب آزادی از لحاظ

عملی با بحران و ناکارآمدی روبرو است دلایل زیر:

اولاً: مجازات سالب آزادی در برآورده کردن رسالت ها و اهدافش (ارعاب و بازدارندگی پیشگیری خاص و عام و اصلاح و بازپروری مجرمان) موفق نبوده است. زیرا، آمارها نشان داده اند که بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرار کنندگان جرم (ارتکاب مجدد مستوجب مجازات حبس توسط زندانی پس از آزادی از زندان) تشکیل می دهند. ثانیاً، به لحاظ برخی مشکلات و معایب وارده حبس و نظام زندان ها، استفاده از مجازات سالب آزادی به طور گسترده غیرضروری است. ایرادات و معایب وارده عبارتند از: جرم زا بودن محیط زندان، تعارض با اصل شخصی بودن مجازات ها، هزینه اقتصادی زندان، معضلات بهداشتی موجود در زندان، تراکم جمعیت کیفری زندان و کمبود فضای مناسب، اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی و از بین رفتن حس مسئولیت.

۲- مجازات سالب آزادی از یک سو، در میان مکاتب کیفری جایگاه متفاوتی دارد. با این توضیح که اولاً، بنیانگذاران مکاتب کلاسیک برای کیفر حبس جایگاه والایی قایل اند، به گونه ای که مکتب نئوکلاسیک به عنوان بنیانگذار «علم اداره زندانها» معرفی شده است. بیشتر دغدغه مکاتب کلاسیک بهبود نحوه اجرای کیفر حبس در جهت اصلاح و بازپروری مجرمان بوده است. اما در عین حال باید گفت که مکتب نئوکلاسیک، جزای نقدی را به عنوان

<sup>۱</sup> - همان، ص ۷۱.





جایگزین حبس کوتاه مدت به لحاظ آثار زیان بار حبس های کوتاه مدت معرفی کرد. ثانیاً، بنیانگذاران مکتب تحقیقی و مکتب دفاع اجتماعی (جدید) سعی در کاهش قلمرو و مداخله مجازات سالب آزادی می نموده اند با این توضیح که فری و لمبرزو با مجازاتها به طور کلی و بویژه با زندان به لحاظ آثار زیان بخش و غیرانسانی آن به مخالفت پرداخته اند و کیفر حبس را تنها برای دسته ای خاص از مجرمان پیش بینی می کردند و سعی در پیش بینی جایگزین هایی نظیر تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط در مورد بزهداران بی سابقه و اتفاقی می نمایند. به گونه ای که می توان گفت نخستین جلوه های جایگزین های مجازات حبس را بایستی در افکار و عقاید مکتب تحقیقی (سده نوزدهم) جستجو کرد. مارک آنسل نیز ضمن انتقادات گسترده علیه زندان، توسل به حبس را تنها در موارد استثنایی و در موارد فزاینده خشونت آمیز و تروریسم و به عنوان آخرین حربه قابل توجیه می داند و توسل به «جانشین های زندان» را پیشنهاد می کند.

از سوی دیگر، اولاً، جرم شناسان کلاسیک ضمن تاکید بر جنبه های اصلاح و درمان مجرمان در زندان ها یا حبس های کوتاه مدت در مورد مجرمان بی سابقه و اتفاقی به لحاظ ایرادات و اشکالات وارده بر مجازات زندان نظیر تراکم جمعیت کیفری، مشکلات بهداشتی موجود در زندان و غیره به مخالفت می پردازند.

ثانیاً، جرم شناسان و کنش اجتماعی نیز با کیفر حبس های کوتاه مدت به لحاظ شکست جرم شناسی مبتنی بر اصلاح و درمان و نیز نقش عوامل و نهادهای اجتماعی کنترل جرم نظیر برخورد کارکنان و مأموران زندان با زندانیان در تولید انحراف و بزه به مخالفت پرداختند و خواستار عدم مداخله دولت و نهادهای رسمی در امر مبارزه با جرم و نیز خواستار حل و فصل جرائم در خارج از نهادهای رسمی و از طریق صلح و سازش به جای رفتن مجرم به زندان هستند.

۳- زندان به عنوان یکی از قدیمی ترین مجازاتهای سنتی امروزه دیگر توقعات دانشمندان و اندیشمندان حقوق جزا مبنی بر اصلاح و تربیت مجرمین و دفاع از جامعه را به خوبی برآورده نمی سازد. با توجه به افزایش تکرار جرم جنبه سزادهی و بازدارندگی و اصلاح و بازپروری

مجازات سالب آزادی اعتبار و اهمیت خود را از دست داده است. زندان امری صرفه نظر از اینکه هزینه های اقتصادی کلانی را بر جامعه تحمیل می کند به مدرسه جرم ساز تبدیل شده مکانی که مجرمین اتفاقی در کنار مجرمین حرفه ای گرد هم می آیند و در این راستا تجارب و تفکرات مجرمانه به سهولت مبادله می گردد، زندان نه تنها مجرمین را اصلاح نمی کند بلکه در اکثر موارد فرایند بازپروری اجتماعی را دشوار می سازد یا به تأخیر می اندازد.

استفاده از سیاست جایگزینی در قلمرو مجازات سالب آزادی در بسیاری موارد می تواند بر کاهش جمعیت کیفری و کاهش تکرار جرم و همچنین کاهش هزینه سازمان زندانها و احیاناً افزایش درآمد دولت ها از طریق اعمال جایگزین هایی مثل جزای نقدی و ... منجر شود.

۴- منظور از جایگزین جنس در این تحقیق هم مفهوم موسع هم مضیق است. نه تنها شامل مواردی که به عنوان کیفر مستقل مورد حکم دادگاه قرار می گیرد مثل خدمات عمومی، دوره مراقبتی، جریمه روزانه. بلکه شامل مواردی که زمینه اجتناب از اجرای مجازات حبس یا صدور آن را فراهم می کند مثل تعلیق اجرای مجازات و تبدیل مجازات هم می شود و مواردی که از ادامه اجرای مجازات حبس جلوگیری می کنند نظیر آزادی مشروط و میانجیگری در مرحله اجرای حکم می شود. بنابراین اعمال برنامه و جلوه های جایگزین نه تنها در مرحله صدور حکم بلکه در مرحله اجرای حکم نیز قابل تصور است.

۵- روش های دستیابی برای اعمال سیاست جایگزینی به ۲ دسته تقسیم می شود، زندان زدایی نسبی و مطلق. در زندان زدایی نسبی مجازات جایگزین حبس نمی شود بلکه هدف آن اجتناب از اجرای حکم مجازات حبس و چگونگی اجرای آن می باشد یعنی مجازات حبس اعمال می شود لکن آزادی به طور نسبی از محکوم علیه سلب می شود و ممکن است در نحول اعمال حبس تغییر حاصل شود. لکن زندان زدایی مطلق در واقع همان تبدیل مجازات می باشد و هدف آن این است که زندانیان در زمان گذراندن محکومیت خویش با محیط زندان آشنا نشوند. در ایران زندان زدایی نسبی در قالب اشتغال به کار زندانیان، آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات به چشم می خورد و زندان زدایی مطلق فقط در قالب جزای نقدی به چشم می خورد البته اگر لایحه مجازات اجتماعی تصویب شود: جزای نقدی روزانه، تعلیق تعقیب کار



عام النفعه هم به اجرا گذاشته خواهد شد. در جایگزینی نسبی دست قاضی باز است تا به جای حبس به آنها برای مجازات مجرم توسل جوید در واقع جایگزین های نسبی مجازات حبس چگونگی اجرای حبس هستند.

۶- با توجه بر آنچه در این فصل در خصوص جزای نقدی بیان شد نتیجه می گیریم که هر چند اعمال جزای نقدی در پاره ای موارد مشکلاتی را به وجود آورده است و لکن نقش فزاینده ای را در مقابله با جرائم از خودشان داده و قابلیت های خود را به نمایش گذارده است. مجازات نقدی با توجه بر طبیعت موجود در آن دو هدف کیفری و غیر کیفری متمایز دارد. از این رو ملاحظات اقتصادی نباید ما را از جنبه های بازدارندگی غافل کند. لذا باید هم در مرحله تعیین هم در مرحله قضا توجه و دقت عمده ای مصروف تعیین معیاری دقیق برای برقراری روش های جرم زدایی گردد. بنابراین جزای نقدی مانع ایجاد تباهی در مجرمین شده و از اصرات مخرب حبس جلوگیری می کند و اثر آن به صورت مستمری بوده و دائماً اثر ارعابی خود را حفظ می کند.

۷- آمارها نشان داده مجازات جایگزین حبس موفق تر از مجازات حبس در تحقق اهدافشان بوده اند زیرا پیش بینی مجازاتهای جایگزین باعث متنوع تر شدن ضمانت اجراها و اجرای بهتر عدالت شده اند و اصلاح بازسازی مجدد اجتماعی مجرم را به جامعه فراهم می کند. به گونه ای که طبق تحقیقات انجام شده، میزان تکرار جرم کسانی که به مجازاتهای جایگزین محکوم شده اند در مقایسه با کسانی که به کیفر حبس محکوم شده اند کمتر است.

۸- استفاده از تجربیات و مطالعات انجام شده در سایر کشورها در خصوص برنامه های جایگزین حبس می تواند ما را از اشتباهات دور نگه دارند و در اجرای صحیح برنامه های مورد نظر راهکارهای زیادی ارائه دهد.

۹- قوانین جزایی چه به لحاظ ماهوی و شکلی بایستی در راستای زدودن حبس محوری مورد بازنگری قرار گیرند. حبس باید امری استثنایی در قانون کیفری ما باشد. و همچنین بازداشت موقت.



۱۰- در سراسر مباحث پیشین آنچه بی شک از هر مطلبی آشکارتر است شکنندگی و ضعف حقوق جزای ایران از نقطه نظر تحقق قانونگذاری و اعمال ضمانت اجراهای غیر سالب آزادی است. در نظام کیفری ایران اگر چه تدابیری برای محدود نمودن قلمرو اعمال کیفر سالب آزادی حتی اجتناب از آن از نخستین دوره های قانونگذاری پیش بینی گردیده است اما این تدابیر از انسجام کافی برخوردار نبوده و علیرغم گرایش به سیاست جایگزینی در قلمرو مجازات سالب آزادی همواره مهمترین واکنش در قبال بزهکاران بوده در حالیکه سیاست جنایی جایگزینی به استثنای شدن این مجازات می اندیشد.

### پیشهادات

۱- گرچه زندان منشأ مشکلات متعددی برای زندانی و جامعه است ولی اجتناب از آن نباید دستاویزی برای توسل به هر روش ممکن برای استفاده از تدابیر جایگزین مجازات سالب آزادی باشد. بنابراین فقط تدابیری باید اتخاذ گردند که از نظر دادگاه و حتی محکوم علیه نسبت به زندان ارجح باشد و متضمن رنج و مشقت کمتر و حمایت بیشتر از محکوم علیه باشند و امکانات بازسازی و حتی ارتباط محکوم با جامعه و حفظ حقوق وی را فراهم نماید.

۲- تدابیر جایگزین مجازات سالب آزادی باید با نوع و شدت جرم و شخصیت و سوابق مجرم هماهنگ بوده و در جهت بازسازی اجتماعی وی باشد. به همین جهت برای اعمال سیاست جایگزین لازم است علاوه بر پرونده قضایی با توجه به بند ۵ ماده ۲۲ ق.م.ا و بند ب.م ۲۵ این قانون پرونده شخصیت محکوم علیه نیز تشکیل و از آن استفاده گردد با عنایت به اینکه تشکیل پرونده شخصیت قبل از صدور حکم در قوانین کیفری پیش بینی نشده است به منظور کارایی بیشتر سیاست جایگزینی ضرورت تشکیل آن به ویژه در موارد تبدیل و تعلیق اجرای مجازات سالب آزادی توصیه می گردد. بدیهی است در این مورد قانونگذار می تواند شرایط امکانات و نحوه آن را پیش بینی نماید.

۳- یکی دیگر از شرایط اصلی و مهمی که در اعمال تدابیر جایگزین باید در نظر داشت ایجاد ساختارهای لازم برای بهره گیری ها می باشد تا دادگاه بتواند با اعتماد کامل به سودمند و موثر بودن، آنها را اعمال کنند. مهمترین سازو کارها:

الف) آموزش قضات و مشارکت دستگاه قضایی



ب) محیط اجتماعی مناسب و آگاه کردن مردم از جایگاه و عملکرد جایگزینی شرط ضرورت مقبولیت آنهاست.

ج) ایجاد تشکیلات لازم- به عبارتی در میان مردم و قضات رویکرد مثبتی نسبت به مزایای جایگزینهای حبس و بکارگیری آنها ایجاد شود. نقش رسانه های گروهی در این فرهنگ سازی حائز اهمیت است.

۴- باید راهکارهای نظارتی و مراقبتی در قانون مجازات اسلامی نسبت به ازادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی پیش بینی شود تا این نهادها تاثیر و کارایی مطلوب را داشته باشد.

۵- همه مجازاتهای جایگزین با آداب و رسوم فرهنگ ایران هم خوانی ندارد، لحاظ مجازاتهای با سنخیت بیشتر با ویژگی های این مرز و بوم و مقتضیات جامعه شناسی و روان شناختی آن موجب حصول نتایج امیدوار کننده تری می شود تا تعیین کیفرهایی که هیچ هماهنگی با کشور و فرهنگ ما ندارد.

۶- تقویت روحیه اجتناب از حبس محوری در دانشجویان رشته حقوق، کارآموزان قضاوت و آشناسازی آنها با زیانهای حبس.

۷- ضرورت تصویب قوانین موردنیاز در مورد کیفر جایگزین حبس، تعریف آنها، تعیین جایگاه حقوقی آنها غیر قابل انکار است.

و باید سازو کارهای موردنیاز برای اجرای موفق آمیز این کیفرها معین شود.

۸- برای ترویج کیفرهای جایگزین حبس باید اذهان عمومی آماده پذیرش آنها شود و از سویی تشویق سازمانهای غیردولتی و جوامع محلی و بهره گیری از مشارکت مردمی برای موفقیت در اجرای جایگزین ها بسیار موثر است.

۹- در ایران قبل از تصویب قطعی لایحه مجازاتهای اجتماعی، بهتر است این لایحه بصورت آزمایشی تصویب شود و پس از اجرا نتایج آن مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱۰- اجرا و ترویج کیفرهای جدید جایگزین هزینه های خاصی را در بر دارد مثلاً در مورد نظارت الکترونیکی برای خرید ابزار و آلات و تربیت متخصص و ...، بنظر می رسد قوه قضائیه در حال حاضر ناگزیر از بکارگیری جایگزین های با هزینه کمتر است.



## منابع و مآخذ

۱. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمدآشوری و علی حسینی نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۲. آشوری، محمد، بررسی جایگزین مجازات حبس، همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین مجازات حبس، تهران، نشر معاونت پژوهشی وزارت دادگستری شماره ۳۸، ۱۳۸۱.
۳. باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، انتشارات رهام، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
۴. بکاریا، سزار، رساله جرائم و مجازاتها، ترجمه علی اردبیلی، نشر دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۵. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، جلد نخست، ۱۳۷۱.
۶. عبدی، عباس، تأثیر زندان بر زندانی، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات نور، ۱۳۸۹.
۷. علی آبادی عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، چاپ اول ۱۳۸۶.
۸. گودرزی، محمدرضا، تاریخ تحولات زندان، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۹. مهاجری، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات تهران جلد اول، چاپ اول ۱۳۸۲.
۱۰. ملک اسماعیلی، عزیز اله، جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
۱۱. میر محمدصادقی، حسین، مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش بین المللی راهنمای جایگزین مجازات حبس، ۱۳۸۹.
۱۲. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
۱۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود، چرا حبس؟، چاپ اول، انتشارات نگاران، تهران، مهر





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی